



Université Allâmeḥ Tabâtabâï

Faculté des lettres et des langues étrangères

Département du français

De traduction en retraduction:

L'étude des retraductions de "*l'Étranger*" d'Albert Camus  
en Iran

Mémoire de maîtrise

**Sous la direction de :**

Madame le Docteur Fatemeh Mirza Ebrahim Tehrani

**Professeur consultant :**

Madame le Docteur Marjan Farjah

**Présenté par :**

Ali Madani

Août 2013



Université Allâmeḥ Tabâtabâï

Faculté des lettres et des langues étrangères

Département du français

**De traduction en retraduction:**

**L'étude des retraductions de "*l'Étranger*" d'Albert Camus  
en Iran**

**Mémoire de maîtrise**

Sous la direction de :

**Madame le Docteur Fatemeh Mirza Ebrahim Tehrani**

Professeur consultant :

**Madame le Docteur Marjan Farjah**

Présenté par :

**Ali Madani**

Août 2013

*Au nom de Dieu,  
Le Très  
Miséricordieux,  
Le Compatissant*

## فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه

### کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: نگاهی به سیر ترجمه مجدد "بیگانه" آلبر کامو در ایران		
محقق: علی مدنی	مترجم: ندارد	
استاد راهنما: خانم دکتر تهرانی	استاد مشاور: خانم دکتر فرجاه	استاد داور: آقای دکتر کاظمی
کتابنامه: دارد	واژه نامه: ندارد	
نوع پایان نامه: <input checked="" type="checkbox"/> بنیادی	توسعه ای	<input checked="" type="checkbox"/> کاربردی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۱۳۹۱-۹۲	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی	دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی
تعداد صفحات: ۱۰۸	گروه آموزشی: مترجمی زبان فرانسه	
کلید واژه ها به زبان فارسی: پدیده ترجمه مجدد، فرضیه ترجمه مجدد، نقد ترجمه، بیگانه آلبر کامو،		
کلید واژه ها به زبان فرانسه: <b>phénomène de retraduction, hypothèse de retraduction, critique de la traduction, l'Etranger d'Albert Camus, tendances déformantes</b>		
<b>چکیده</b>		
<p><b>الف: موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):</b></p> <p>قرنهاست که انسان از نعمت ارتباط بهره مند است و پیشرفت و تکامل تمدن بشری مدیون به وجود آمدن برخورد های فکری و اجتماعی در بین قومهای مختلف بوده است و سهم ایجاد ارتباط یا همان «ترجمه» همسنگ دورترین علوم شناخته شده انسانی می نماید. ترجمه در طول تاریخ خود با پدیده ها و عوامل گوناگونی روبرو بوده و از آن جمله نیز پدیده ترجمه مجدد است که تقریباً از ابتدای تاریخ ترجمه وجود داشته است. شاید قدیمی ترین روایت تاریخی درباره پدیده ترجمه مجدد مربوط به ترجمه «هفتاد گانی» باشد. این ترجمه نسخه ای است از نسخ تورات که در قرن سوم قبل از میلاد و به دستور بطلمیوس فیلادفوس در مصر بنا بر روایتی توسط نزدیک به هفتاد تن از دانشمندان یهودی ترجمه شد. پدیده ترجمه مجدد اگر چه به عنوان یکی از پدیده های رایج و ضروری پذیرفته شده اما تا کنون به لحاظ نظری و تحقیقی چندان مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است از این رو بررسی این پدیده به شکل نظری و کاربردی ضروری به نظر می رسد.</p> <p>در این پایان نامه قصد داریم ابتدا با تعریف کردن ترجمه و پدیده ترجمه مجدد به بررسی نظری این پدیده به عنوان یکی از پدیده های رایج ایران و جهان و عوامل گوناگونی که بر آن اثرگذار هستند پرداخته و سپس با بررسی و نقد ترجمه ای مجدد از اثر "بیگانه" آلبر کامو به فارسی و مقایسه آن با اولین ترجمه مشخص کنیم آیا ترجمه مجدد بیگانه آلبر کامو به فارسی، این فرضیه مبنی بر نزدیک بودن بیشتر به متن مبدا به نسبت ترجمه اول را رعایت کرده است یا خیر.</p> <p><b>ب: مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها:</b></p>		

در این پایان نامه به خصوص در بخش بررسی نظری سعی شده از منابع گوناگون موجود شامل آثار تئورسین های مشهور و دیگر کتب تئوری و مقالات در زمینه مطالعات ترجمه و پدیده ترجمه مجدد استفاده شود. در ادامه با تکیه بر نظریه ها و فرضیه های مشهوری که در خصوص پدیده ترجمه مجدد ارائه شده این پدیده را بررسی کرده و با در نظر گرفتن مجموع این تلاشها فهرستی از عواملی که بر فراوانی ترجمه مجدد یک اثر تاثیر گذار هستند ارائه داده ایم.

در این زمینه فرضیه هایی را مطرح کرده ایم از جمله این که ترجمه مجدد برای شناساندن یک اثر به جامعه مقصد چرا و تا چه حد اهمیت دارد؟ آیا همه ترجمه های مجدد اهداف و انگیزه های یکسانی دارند چه عواملی باعث میشود که مترجمان به سراغ ترجمه مجدد یک اثر بروند؟ کدام کتاب ها به نسبت دیگر کتابها از شانس بیشتری برای آنکه ترجمه مجدد بشوند برخوردارند؟

در پایان و در بخش دوم پایان نامه نیز به سوال اصلی یعنی اینکه آیا ترجمه مجدد بیگانه آلبر کامو به متن اصلی نزدیکتر بوده و نقایص کمتری به نسبت ترجمه نخست دارد پاسخ داده ایم.

**پ: روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها:**

در این پایان نامه با تکیه بر روش تحلیلی و انتقادی به تجزیه و تحلیل مباحث نظری پرداخته و با بررسی نظریه ها و دیدگاه های گوناگون در زمینه پدیده ترجمه مجدد، سعی در شناخت بیشتر این پدیده و عوامل و انگیزه های موثر بر آن داشته و سپس فرضیه پذیرفته شده در خصوص این پدیده را مبنی بر اینکه ترجمه های مجدد به متن مبدا نزدیکتر هستند و سعی در بهبود ترجمه های قبلی دارند مد نظر قرار داده ایم. پس از آن به بررسی صحت این فرضیه درباره ترجمه مجدد اثر بیگانه آلبر کامو به فارسی به قلم لیلی گلستان از طریق مقایسه آن با متن ترجمه نخست از این اثر متعلق به جلال آل احمد پرداخته ایم.

**ت: یافته های تحقیق:**

آنچه که در این تحقیق به دست آمده در درجه اول برخی مفاهیم مطرح درباره پدیده ترجمه مجدد در میان دیدگاه های نظریه پردازان مختلف است که از جمله آنها مفاهیم "کهنه شدن ترجمه"، تلاش برای تحقق "ترجمه کامل" از طریق ترجمه مجدد و همچنین "رقابت ترجمه ها" هستند. از طرف دیگر نیز در بررسی های عوامل موثر بر فراوانی ترجمه مجدد از یک اثر را برشمرده و یک طبقه بندی از کتابهایی که بیشتر از دیگر کتابها شانس ترجمه مجدد را دارند ارائه کرده ایم و در پایان فرضیه ترجمه مجدد را درباره ترجمه مجدد کتاب بیگانه آلبر کامو از طریق نقد و مقایسه تعیین کرده ایم.

**ث: نتیجه گیری و پیشنهادات:**

آنچه که در نتیجه بررسی های انجام شده در این پایان نامه به دست آمده در درجه اول توصیفی کلی از چستی و چگونگی پدیده ترجمه مجدد و تعریف این پدیده است. متعاقب بررسی این پدیده مشخص میشود که از درون این پدیده فاکتورهای دیگری نیز مطرح میشوند که بر جوانب مختلف آن نظیر اهداف، ضرورت ها و انگیزه ها اثر گذار هستند. از جمله این فاکتورها که در نتیجه بررسی ها ارائه شده تاثیر زمان و کهنگی زبان ترجمه ها، ناقص بودن و یا در دسترس نبودن ترجمه های قبلی، رقابت با دیگر ترجمه ها به انگیزه کسب پول، علاقه مترجمان به یک نویسنده خاص و اعتبار بالای برخی آثار ادبی و کتب برای داشتن چندین ترجمه هستند.

از سوی دیگری با انتخاب اثر "بیگانه" آلبر کامو به عنوان یکی از آثار که در ایران با تعداد فراوانی ترجمه مجدد روبرو بوده، سعی داشته ایم ضمن برشمردن عوامل موثر بر تعدد ترجمه های این اثر به فارسی، به صحت فرضیه ترجمه مجدد درباره یکی از ترجمه های جدید آن پی ببریم و به بررسی نزدیک بودن ترجمه "بیگانه" به قلم لیلی گلستان به متن مبدا به نسبت نخستین ترجمه آن به قلم جلال آل احمد بپردازیم. با بررسی انجام شده از طریق مقایسه میان این دو ترجمه و نقد آنها، در انتها به این نتیجه دست یافته ایم که مشخصا ترجمه مجدد لیلی گلستان از بیگانه آلبر کامو به دلیل تلاش برای رعایت جوانب ظاهری و محتوایی اثر اصلی به متن مبدا نزدیکتر است و بنابر این فرضیه ترجمه مجدد درباره آن صدق میکند.

محل امضاء:

صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام دانشکده:

سمت علمی:

نام استاد راهنما:

رئیس کتابخانه:

## REMERCIEMENTS

Je remercie de tout mon cœur les professeurs qui ont contribué à la réalisation de ce mémoire :

Madame le docteur Tehrani, ma directrice de recherche, qui m'a encouragé à mener cette étude et qui m'a aidé avec sympathie et patience.

Madame le docteur Farjah, mon professeur consultant qui m'a donné des conseils efficaces et qui m'a dirigé dans mes recherches.

J'exprime aussi ma gratitude à mon cher professeur, monsieur le docteur Kazemi pour arbitrer ce mémoire.

Finalement, je remercie mes chers parents pour toutes leurs bontés.



## چکیده

امروزه همه اذعان دارند که یکی از پدیده‌هایی که در عرصه ترجمه خصوصاً آثار ادبی در جهان بسیار رایج است پدیده ترجمه مجدد از یک اثر است. این پدیده به رغم آنکه در همه جوامع انسانی کاملاً رایج و پذیرفته شده است اما تا کنون کمتر به لحاظ نظری و از نقطه نظر مطالعات ترجمه تحلیل شده و عوامل موثر بر آن مورد بررسی قرار گرفته است.

ما در این پایان نامه ابتدا به طور مختصر "ترجمه" را تعریف و تئوری‌های مربوط به آن را بررسی کرده و سپس به بررسی پدیده "ترجمه مجدد" می‌پردازیم و در ادامه با مبنا قرار دادن دو ترجمه از رمان معروف "بیگانه"، اثر آلبر کامو، به فارسی شامل نخستین ترجمه انجام شده از این اثر به قلم جلال آل احمد و ترجمه مجددی از آن به قلم لیلی گلستان، فرضیه‌ای تحت عنوان فرضیه ترجمه مجدد را در مورد این دو ترجمه "بیگانه" بررسی خواهیم کرد. فرضیه ترجمه مجدد فرضیه‌ای است که از سوی "اندرو چسترمن"، زبان‌شناس و ترجمه‌شناس معروف فنلاندی ارائه شده و تصریح می‌دارد که ترجمه‌های نخست از یک اثر نواقص بیشتری به نسبت ترجمه‌های مجدد آن دارند و ترجمه‌های مجدد همواره به نسبت ترجمه‌های نخست به متن مبدا نزدیکتر هستند و ترجمه‌های دقیقتر ارائه می‌دهند. ما به منظور بررسی این فرضیه در ترجمه مجدد "بیگانه" آلبر کامو ابتدا از ۱۳ گرایش تحریف‌کننده ترجمه که از سوی آنتوان برمان، ترجمه‌شناس فرانسوی تعریف شده استفاده کرده ایم تا هم ترجمه نخست و هم ترجمه مجدد "بیگانه" را بر اساس آنها نقد و سطح نزدیکی آنها به زبان مبدا را تعیین کنیم و در ادامه به مقایسه و بررسی دو ترجمه پرداخته تا صحت فرضیه ترجمه مجدد را در آنها بررسی کنیم و مشخص سازیم آیا ترجمه مجدد "بیگانه" آلبر کامو دقیقتر و به متن اصلی نزدیکتر بوده است یا خیر.

ما در این بررسی فرض گرفته ایم که هیچ ترجمه‌ای ترجمه کامل نیست و همواره میتوان هر ترجمه‌ای را ارتقا داد و نقد و بررسی ترجمه و اندیشیدن به آن خود از جمله عوامل ارتقا دهنده ترجمه هستند. ما همچنین فرض گرفته ایم که ۱۳ گرایش تحریفی ارائه شده از سوی آنتوان برمن نیز قدمی در راستای رسیدن به یک نظام بهینه تر برای نقد و تحلیل ترجمه هستند.

در این مطالعه ما کار خود را ابتدا با بررسی و نقد ترجمه نخست "بیگانه" آلبر کامو توسط جلال آل احمد آغاز کرده و پس از آن ترجمه جدید این رمان را که توسط لیلی گلستان انجام شده تحلیل و با ترجمه نخست مقایسه میکنیم و فرضیه ما نیز این است که ترجمه لیلی گلستان به عنوان یک ترجمه مجدد که ۵۸ سال پس از انتشار ترجمه نخست منتشر شده به متن مبدا نزدیکتر است و ما به دنبال بررسی صحت این فرضیه خواهیم بود. به این ترتیب این پایان نامه از دو بخش اصلی تشکیل شده است. بخش نخست شامل بررسی‌های تئوریک موضوعات اصلی یعنی تعریف ترجمه، بررسی پدیده ترجمه مجدد و همچنین استراتژی ما در نقد ترجمه است. در بخش دوم نیز ابتدا معرفی مختصری از آلبر کامو و اثر وی، "بیگانه" ارائه داده و سپس علل فراوانی ترجمه مجدد این اثر در ایران و عوامل موثر بر آن را برخواهیم شمرد و در پایان نیز با نقد بر اساس ۱۳ گرایش تحریف‌کننده آنتوان برمن و تحلیل مبتنی بر مقایسه میان دو ترجمه فارسی "بیگانه" که در بالا ذکر کردیم، صحت فرضیه ترجمه مجدد را در آنها تعیین خواهیم کرد.

**کلمات کلیدی:** پدیده ترجمه مجدد، فرضیه ترجمه مجدد، نقد ترجمه، بیگانه آلبر کامو،

## Résumé

Cette étude est une réflexion sur la traduction et le phénomène de retraduction. Ce travail s'appuie sur deux traductions de " *L'Étranger* ", le célèbre roman d'Albert Camus (1913-1960) en persan, par deux traducteurs: Jalal Al-e-Ahmad et Leili Golestâne; la première est une traduction et la seconde une retraduction. Cette étude est effectuée à partir des treize tendances déformantes décrites par Antoine Berman (1942-1991) dans son ouvrage : *La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain* et l'hypothèse de retraduction établie par l'érudite finnoise "Andrew Chesterman". Selon cette hypothèse les retraductions tentent d'être plus proches au texte source que la première traduction. Nous voudrions examiner cette hypothèse sur les deux traductions mentionnées. Notre étude prend comme principales hypothèses de départ qu'aucune traduction n'est parfaite et qu'il est toujours possible de l'améliorer, que le fait de réfléchir sur l'acte de traduire permet d'en perfectionner la pratique et que les treize tendances déformantes décrites par Antoine Berman sont un premier pas vers un système plus élaboré d'analyse de traduction.

Cette étude débutera par les observations et réflexions sur la première traduction de " *l'Étranger*" en persan, à savoir celle de Jalal Al-e-Ahmad, ensuite une nouvelle traduction du roman, celle de Leili Golestâne, sera analysée et comparée, en adoptant l'hypothèse que les traductions ultérieures ont tendance à être plus proches du texte de départ (TD), accompagnée de commentaires sur les prises de positions des traducteurs lorsque cela s'avère nécessaire.

Ce travail comporte deux chapitres principaux: le premier chapitre qui sera présenté après une introduction, est le support théorique sur les thèmes principaux, à savoir la définition de la traduction, vérification du phénomène de la retraduction et la stratégie adoptée; le second chapitre présente d'abord un aperçu sur Albert Camus et *l'Étranger* et la cause de l'abondance de ses retraductions en persan et ensuite on s'occupe de la critique et de l'analyse comparative de la première traduction persane de " *l'Étranger*" par Jalal Al-e-Ahmad et sa retraduction par Leili Golestâne à partir des treize tendances déformantes d'Antoine Berman, et l'hypothèse de retraduction d'Andrew Chesterman.

**Mots clés:** phénomène de retraduction, hypothèse de retraduction, critique de la traduction, *l'Étranger*, tendances déformantes



# TABLE DES MATIERES

<b>INTRODUCTION</b> .....	1
<b>CHAPITRE 1: L'APERÇU THEORIQUE</b> .....	7
1.1 DEFINITION DE LATRADUCTION.....	8
1.2 LE PHENOMENE DE RETRADUCTION.....	21
1.3 BERMAN ET SES TREIZE TENDANCES DEFORMANTES.....	39
1.3.1 LA TRADUCTION ETHNOCENTRIQUE .....	41
1.3.2 LA TRADUCTION HYPERTEXTUELLE.....	41
1.3.3 LA NOTION D'ETHIQUE DU TRADUCTEUR.....	42
1.3.4 "LA LETTRE" .....	43
1.3.5 DES TREIZE TENDANCES DEFORMANTES.....	43
<b>CHAPITRE 2 : ANALYSE COMPAREE DE DEUX TRADUCTIONS PERSANES DE L'ÉTRANGER</b> .....	49
2.1 <i>L'ETRANGER</i> ET SA TRADUCTION EN PERSAN.....	50
2.1.1 UN REGARD SUR L'AUTEUR: ALBERT CAMUS.....	50
2.1.2 PRESENTATION DU ROMAN: <i>L'ETRANGER</i> .....	54
2.1.3 RETRADUCTION ET <i>L'ETRANGER</i> EN IRAN.....	58
2.2 L'ETUDE COMPAREE ENTRE DEUX TRADUCTIONS DE <i>L'ETRANGER</i> .....	64
2.2.1 INTRODUCTION.....	64
2.2.2 ANALYSE DES TRADUCTIONS.....	64
<b>CONCLUSION</b> .....	101
<b>BIBLIOGRAPHIE</b> .....	106

## INTRODUCTION

Notre travail de recherche a pour objectif d'étudier la traduction, le phénomène de retraduction et la critique de la traduction de "*l'Étranger*" réalisée par Jalal Al-e-Ahmad en 1949 en la comparant avec la retraduction de cet ouvrage faite par Leili Golestâne. Nous prenons comme critères de référence dans notre analyse les treize tendances déformantes définies par Antoine Berman dans son ouvrage : *La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain*.<sup>1</sup>

Aussi loin que l'on remonte dans l'histoire de la traduction, on retrouve l'opposition entre texte original et texte traduit ; langue source, langue cible; littéralisme, traduction libre ; traduction de la forme, traduction du sens. En 46 avant J.C. Cicéron dans "*Libellus de optimo genere oratorum*" prend position et affirme qu'il ne faut pas traduire mot à mot : "verbum pro verbo". Beaucoup plus tard, en 1530, Luther, comme Cicéron puis Saint Jérôme, dénonce la traduction mot à mot : "Je ne me suis pas détaché trop librement des lettres, mais j'ai pris grand soin avec mes aides de veiller, dans l'examen d'un passage, à rester aussi près que possible de ces lettres sans m'en éloigner trop librement".<sup>2</sup> Cette différence de positionnement par rapport à la stratégie de traduction est probablement aussi ancienne que la traduction, mais elle est aussi ancienne que l'histoire de l'humanité, car il a toujours fallu des interprètes pour permettre aux différents peuples de communiquer.

Notre but n'est pas ici d'entrer dans la polémique relative à l'opposition dualiste entre partisans de la forme et partisans du sens, ciblistes et sourciers. Nous nous plaçons d'abord du côté des sourciers et proposons dans la présente étude comparée, l'analyse critique de deux traductions de type ethnocentrique dans lesquelles nous retrouverons les tendances déformantes classiques des traductions: ennoblissement, rationalisation, clarification... Les traducteurs iraniens en général ont tendance à adopter l'auteur étranger à leur propre goût et à leur langue, c'est-à-dire être cibliste, et c'est bien de cela dont nous nous occupons dans la présente analyse des traductions.

---

<sup>1</sup> Antoine Berman, *La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain*. Paris: Editions du Seuil, 1999.

<sup>2</sup> Michel Austinoff, *La traduction*. Paris: PUF, 2003, p. 37-38.

L'analyse de la traduction et la retraduction, sont dans la recherche actuelle en faveur de l'évolution de la traductologie. Il existe à ce jour deux grands courants de pensée: les partisans du modèle idéal fondé sur la critique des traductions et sur leur analyse qualitative, et ceux du modèle scientifique fondé sur la systématisation des phénomènes existants. Walter Benjamin est le grand représentant du premier courant auquel se sont ralliés, entre autres, Henri Meschonnic et Antoine Berman. Nous nous inspirons largement de ce dernier, tout en choisissant la vision d'Antoine Berman comme la base de notre travail, tant d'un point de vue théorique, tel que présenté dans ses ouvrages "*L'épreuve de l'étranger*" et "*La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain*", que d'un point de vue pratique, suivant l'exemple de critique de traduction qu'il propose dans son ouvrage "*Pour une critique des traductions : John Donne*".

L'un des grands théoriciens favoris de Berman est Walter Benjamin. Les auteurs allemands, en particulier Schleiermacher – que Berman a traduit – ont aussi influencé Berman. Son contemporain et compatriote Meschonnic a également inspiré Antoine Berman. Il reconnaît la justesse des critiques de traduction de Meschonnic ainsi:

" Ce qui compte pour lui (Meschonnic), c'est dénoncer, et dénoncer précisément. (...) Cette dénonciation s'accompagne de re-traductions ponctuelles montrant, le plus souvent de manière convaincante, comment les traducteurs " auraient " pu sans difficulté respecter telle forme de signification de l'original (...) ”<sup>3</sup>.

En ce qui concerne le phénomène de retraduction, on commencera par la définition et les efforts théoriques dans ce domaine y compris l'hypothèse de retraduction.

Berman s'intéresse aux certains concepts de Meschonnic entre autre celui de la " traduction-introduction ". L'un des paradigmes dans le domaine de la retraduction est celui de la traduction-introduction introduit par Meschonnic et repris par Berman.

Antoine Berman reconnaît "Schlegel" comme " le père de la critique moderne ”<sup>4</sup>. Il examine ainsi dans son travail les différentes Ecoles de

---

<sup>3</sup> Antoine Berman, *Pour une critique des traductions: John Donne*. Paris: Gallimard, 1995.p. 46-47

<sup>4</sup> Antoine Berman, *Pour une critique des traductions: John Donne*. Paris: Gallimard, 1995.p. 38

traduction, certaines pour en mentionner les aspects avec lesquels il est en désaccord telle que l'école française, et d'autres pour s'en inspirer comme l'Ecole allemande. Les hypothèses de départ de notre travail, sont directement issues de la vision de Berman et donc contiennent par conséquent les différentes théories dont Antoine Berman s'est inspiré, en particulier celle de Walter Benjamin dont Berman faisait référence.

Mon analyse des traductions, étant une critique, se fonde également sur les opinions de Walter Benjamin, car c'est chez lui que l'on trouve le concept le plus marqué de la critique littéraire. " Non seulement Benjamin est indépassable, mais il est encore en avant de nous " <sup>5</sup>

Notre étude comporte deux chapitres :

Le premier chapitre, intitulé "L'aperçu théorique", est une présentation du support théorique de notre démarche en examinant la définition de la traduction et en donnant une perspective sur le phénomène de retraduction et les tendances déformantes d'Antoine Berman.

Dans le second chapitre, intitulé "Analyse Comparée de Deux Traductions Persanes de *"L'Étranger"*", après un bref aperçu sur l'analyse de l'œuvre et de son écrivain, nous mettons en pratique les grandes lignes théoriques et la stratégie personnelle proposée dans la première partie, nous analyserons la traduction de *"l'Étranger"* d'Albert Camus faite par Jalal Al-e-Ahmad, à partir des tendances déformantes d'Antoine Berman: rationalisation, clarification, allongement, ennoblissement, vulgarisation, appauvrissement qualitatif, appauvrissement quantitatif, homogénéisation, destruction des rythmes, destruction des réseaux signifiants sous-jacents, destruction des systématismes, destruction (ou exotisation) des réseaux langagiers vernaculaires, destruction des locutions et idiotismes, effacement des superpositions de langues<sup>6</sup>. Cette analyse nous conduira à révéler la présence ou non de chacune des tendances déformantes dans la traduction de Jalal Al-e-Ahmad et à apporter une réflexion sur le sujet de retraduction de *"L'Étranger"* d'Albert Camus en persan, mais également à réfléchir sur les tendances proposées par Berman. En même temps, fort des réflexions précédentes, et des fondements théoriques

---

<sup>5</sup> Ibid .p. 15

<sup>6</sup> Antoine Berman, La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain, Paris: Editions du Seuil, 1999, p.53

présentés dans la première partie, nous proposons une étude comparée entre la traduction de Jalal Al-e-Ahmad qui est la "traduction-introduction" et la retraduction de *l'Étranger* faite par Leili Golestâne. Cette étude comparée vient à la suite de la critique et l'analyse de la traduction de Jalal Al-e-Ahmad. Nous y examinons aussi la validité de l'hypothèse de retraduction d'Andrew Chesterman accompagnée de commentaires lorsque cela s'avère nécessaire.

Nous terminerons notre étude par une conclusion sur le travail d'analyse de traduction et de retraduction et par une réflexion sur le phénomène de retraduction.

Le choix de stratégie de traduction est en réalité une prise de position non seulement théorique, mais aussi idéologique. Le traducteur révèle à travers ses traductions, de manière inconsciente ou non, son regard sur l'étranger et par extension sur l'autre qui lui révèle sa propre image.

Ainsi plus qu'une question purement théorique, le choix d'une stratégie de traduction est avant tout une prise de position idéologique qui établit d'importantes répercussions sur le public récepteur et sur l'émetteur. En effet, par le moyen de traduction, un public ne voit d'une nation distante que ce qu'on veut bien lui en montrer, et c'est à travers cette vision que sa relation à l'étranger, et à un peuple en particulier se constitue; c'est ce qui détermine les relations d'entente ou de conflit, de peuples dominants et de peuples dominé. Schleiermacher remarque :

" (...) le traducteur doit se donner pour but de fournir à son lecteur une image et un plaisir semblables à ceux que la lecture de l'œuvre dans la langue d'origine procure à l'homme cultivé. "<sup>7</sup>

Ce qui m'a poussée à choisir le sujet abordé c'est l'abondance remarquable des retraductions de "*L'Étranger*" en Iran. Le phénomène de retraduction en général se passe parmi les œuvres ayant une certaine importance et une grande réception chez les lecteurs cibles. En Iran, il y a de nombreux cas de retraduction littéraire parmi les quelles on peut nommer: "*Le Petit Prince*", "*Les Misérables*", etc. En général, les livres saints comme "*Coran*" et "*Bible*" ont une place permanente parmi les œuvres les plus retraduites. Une catégorie concerne les livres qui

---

<sup>7</sup> Ibid. p 57

pendant une période passagère, deviennent extraordinairement populaires et célèbres. C'est le cas de "*Harry Potter*" ou "*The Da Vinci Code*". En ce qui concerne cette catégorie des livres, il faut bien faire attention que ceux-ci, à cause de leur popularité et les motivations financières se retraduisent seulement pour une courte période et on ne ressentira pas le besoin de les retraduire plus tard.

Nos hypothèses de départ sont les suivantes :

- Toute œuvre de traduction est une étape vers une nouvelle traduction et le révélateur potentiel des défaillances en matière de traduction de tout traducteur qui la considère. Toute traduction est donc, pour le traducteur, un instrument de perfectionnement de sa propre pratique et de la pratique de traduction au sens large.
- Aucune traduction n'est parfaite ; elle mérite donc une analyse ou critique qui débouche, si cela s'avère approprié, sur une retraduction.
- Si les tendances déformantes d'Antoine Berman sont établies en tant que critères objectifs et universels en matière d'analyse de traduction littéraire, leur mise en pratique permettra une analyse de traduction significative et représentative.
- Nul n'a la vérité absolue donc toute théorie peut toujours être remise en question.
- Tout énoncé théorique peut se voir élargi ou repensé par des chercheurs qui les expérimentent d'un point de vue pratique. En tout cas, il est possible d'élargir et de structurer les treize tendances de Berman en les confrontant de façon systématique à la pratique.

Le travail proposé, d'analyse de la traduction de Jalal Al-e-Ahmad de *L'Étranger* d'Albert Camus et de sa retraduction, a pu être réalisée grâce à la méthodologie qui suit.

Nous nous sommes tout d'abord livré à la lecture attentive du roman à analyser et à traduire : *L'Étranger*, puis du roman traduit : " ", ce qui nous a permis de mettre en évidence les tendances déformantes qui apparaissent dans la traduction dès la première lecture.

Nous avons ensuite procédé à la contextualisation du travail de recherche. Cela nous a conduit à étudier l'auteur, en particulier sa vie, son œuvre et à faire des recherches sur le traducteur.

Après avoir étudié attentivement les tendances déformantes de Berman, nous sommes passé à la collecte des données et du corpus et nous avons lu la traduction en la confrontant au texte original.

Ensuite nous avons vérifié et étudié la retraduction de *L'Étranger* faite par Leili Golestâne et nous l'avons analysée et l'avons comparée avec celle de Jalal Al-e-Ahmad.

A la fin, nous concluons sur notre question principale: est-ce que selon l'hypothèse de retraduction d'Andrew Chesterman, la retraduction de *L'Étranger* par Leili Golestâne est plus proche au texte de départ que la première traduction de ce roman.

# CHAPITRE 1

## L'APERÇU THÉORIQUE





## 1.1 Définition de la traduction

On ne peut pas imaginer notre monde sans la traduction. Comment comprendre une autre culture sans la traduction ? Comment faire du commerce sans la traduction ? La traduction est indispensable aussi bien pour la littérature que pour le commerce et l'industrie, où elle permet échanges, progrès, innovation et développement.

La traduction ne date pas d'hier, elle est apparue comme une nécessité incontournable dès l'origine de tout enseignement des langues et des cultures étrangères.

Nombreux étaient ceux qui soulignaient volontiers que la traduction n'était qu'une « copie », une « imitation », et considéraient le traducteur comme un instrument dépourvu de volonté propre. Aujourd'hui, bien que cette vision persiste, des opinions qui soulignent et valorisent l'aspect créateur du travail du traducteur se laissent entendre de plus en plus souvent parmi les traductologues.

On a considéré longtemps la traduction de ne pas être l'original, de ne pas pouvoir aboutir à transmettre tout ce que la création première transmet. La secondarité, le défaut qui hante toute traduction, et son statut d'imitation ont été à l'origine de la dévalorisation de l'acte de traduction. Toute traduction souffre du péché originel, celui d'avoir volé le texte légitime. Cependant, les derniers courants en traductologie cachent cette accusation, en mettant en avance le fait que toute traduction a un but: elle s'adresse aux autres lecteurs, non plus au public pour lequel l'oeuvre originale avait été créée, qu'elle est influencée par nombreux facteurs économiques, historiques, culturels et que parfois, elle s'éloigne du texte premier.

De nos jours, il nous paraît impossible d'envisager qu'un texte intéressant et essentiel reste « enfermé » dans sa langue d'origine et qu'il ne puisse pas être transmis dans une autre langue et ne pas être connu par des lecteurs qui ne parlent pas la langue dans laquelle il a été écrit. C'est pour cette raison que la traduction a pris et prend de plus en plus d'importance, et ceci dans tous les domaines, aussi bien dans la littérature et l'industrie que les sciences naturelles et humaines.

Edmond Cary affirme que:

« Le monde actuel est un monde en mouvement; la traduction qui est elle-même passage est une des composantes essentielles de notre civilisation. Nous vivons l'âge de la traduction: celle-ci est devenue indispensable à l'accomplissement de toutes les activités humaines.»<sup>8</sup>

Il faut dire que depuis l'antiquité, la façon de traduire a évolué : du « mot à mot », en passant par les « belles infidèles » du XVIII<sup>ème</sup> siècle, le courant littéraliste jusqu'au « courant de la traduction-récréation »<sup>9</sup>. Pour ne mentionner que les « belles infidèles », c'est par ce terme connu que l'on désigne une façon de traduire où les traducteurs, dans un souci de préserver une certaine langue, modifiaient et adaptaient leurs traductions en embellissant par exemple certains gros mots ou des passages jugés trop crus ou en explicitant des passages qui ne l'étaient pas dans l'original.

Aussi loin que date l'histoire de la traduction, on peut retrouver l'opposition entre texte original et texte traduit ; langue source, langue cible. Aujourd'hui, la fidélité et la liberté en traduction restent des aspects très discutés et controversés aussi bien parmi les traducteurs que dans la littérature spécialisée.

Il n'y a pas cinquante manières de traduire. Il y en a deux. Depuis le temps qu'on nous le répète, c'est une chose entendue et que les théoriciens contemporains ne peuvent que confirmer: la traduction sera «traduction de la lettre» ou «traduction ethnocentrique» (Berman), «formelle» ou «dynamique» (Nida), «adéquate» ou «acceptable»(Even-Zohar, Toury), «résistant» ou «transparent» (Venuti).<sup>10</sup>

Depuis quelques années, cette dichotomie exclusive apparaît à travers les notions de traduction «sourcière» ou de traduction «cibliste». «Sourciers» seraient les traducteurs qui auraient à cœur de maintenir dans leur traduction la marque de la langue source. «Ciblistes» ceux qui seraient préoccupés avant tout d'une certaine forme de lisibilité de leur traduction. L'idéal de la traduction cibliste est de donner l'illusion d'un texte directement écrit dans la «langue cible». De nos jours, bien que

---

<sup>8</sup>Edmond Cary, "la traduction dans le monde moderne", dans CD "L'histoire de la traduction(conception et réalisation par Jean Delisle et Gilbert Lafond), université Ottawa, 2002.

<sup>9</sup>OSEKI-DÉPRÉ, Ines, Théories et pratiques de la traduction littéraire, Paris, Armand Collin, 1999, p. 105

<sup>10</sup> Étienne Dobenquesque, POUR UNE HISTOIRE DU SUJET DE LA TRADUCTION (ET POURQUOI LA RENAISSANCE), Université Paris 8: <http://webs2002.uab.es/doletiana/1Documents/1Dobenquesque.pdf>

cette opposition existe toujours, les sourciers sont nettement plus nombreux que les ciblistes. Henri Meschonnic constate:

“La traduction n’est pas définie comme transport du texte de départ dans la littérature d’arrivée ou inversement transport du lecteur d’arrivée dans le texte de départ (double mouvement, qui repose sur le dualisme du sens et de la forme, qui caractérise empiriquement la plupart des traductions), mais comme travail dans la langue, déconcentration.”<sup>11</sup>

La traduction est un mot polysémique, qui signifie à la fois: l’opération de traduction, son résultat, la discipline proprement-dite. On analyse la définition donnée par "*Le Petit Robert*" au verbe traduire. Ce verbe provient du latin "traducere", signifiant « faire passer » qui date de 1520, « faire que ce qui était énoncé dans une langue naturelle le soit dans une autre, en tendant à l’équivalence sémantique et expressive des deux énoncés »<sup>12</sup>. Nous pouvons observer que selon "*Le Petit Robert*" la traduction est accomplie si l’on obtient le passage d’une langue à l’autre et du sens, et de la forme. L’équivalence des deux énoncés semble donc être le but d’une traduction. L’énoncé sur lequel porte la traduction peut varier d’une simple phrase ou même un mot jusqu’à l’œuvre d’un écrivain.

On peut étudier l’étymologie du terme de traduction ainsi dans *l’Encyclopédie Universalis* : “ Le mot traduction provient du verbe “ traduire ”, dont l’origine est le verbe latin “ traducere ” : “ faire passer ”. Le sens le plus courant est faire passer un texte d’une langue à une autre. Dans d’autres langues telles que l’anglais (translate) et l’allemand (übersetzen), c’est à la notion de déplacement que renvoie l’étymologie. On trouve des emplois de ce sens premier dans la Bible de Wyclif ou encore avec la valeur dérivée de changement d’état dans les *Canterbury Tales* de Chaucer. Le verbe traduire apparaît pour la première fois en français en 1539, et le nom traduction en 1540. On remarquera que l’expression nominale est réservée exclusivement à l’acception la plus

---

<sup>11</sup> Henri Meschonnic, Pour la Poétique II. Epistémologie de l’Ecriture – Poétique de la Traduction, Paris: Gallimard, 1973, p.313-314

<sup>12</sup>:Version électronique du Nouveau Petit Robert: 2008

courante et peut exprimer soit l'activité de traduction, soit le produit fini. ”

C'est à tort que l'on associe le début de l'histoire de la traduction à l'époque de la traduction de la Bible ; elle est en réalité beaucoup plus ancienne. “ L'activité de traduction est très ancienne. Les inscriptions en deux langues qui figurent sur les tombes des princes d'Éléphantine en Égypte datent du III<sup>e</sup> millénaire avant J.-C. Ils en constituent le premier témoignage écrit. Mais ces princes avaient le statut officiel de “ chefs-interprètes ”. C'est en effet en tant qu'activité orale d'interprétation, et plus particulièrement dans les relations politiques et économiques, que se manifeste à l'origine la traduction. ”<sup>13</sup>

Le terme « retraduire », apparu vers 1695, signifiait d'abord, selon le Dictionnaire historique de la langue française, « traduire un texte qui est lui-même une traduction ». Mais le terme « retraduction », apparu au XX<sup>e</sup> siècle, ne comporte pas ce sens limité. Il signifie une nouvelle traduction d'un auteur. Ce concept est de plus en plus utilisé dans les théories actuelles sur la traduction, surtout lorsqu'il s'agit des œuvres anciennes et de leur retraduction.

En ce qui concerne d'autres termes concernant la problématique de traduction, nous pouvons parler de l'adjectif « intraduisible », qui, paradoxalement, est apparu plus tôt (en 1687) que son antonyme « traduisible », qui date de 1725, ce qui montre la prise de conscience des problèmes de traduction. Vers la fin du XVIII<sup>e</sup> siècle sont introduits dans la terminologie en question des termes comme « intraductible » (1771) et « traductible » (1790), d'où a été dérivé dans les années 1950 le nom « traductibilité ». Ayant le sens de passage dans une autre langue, le nom « traduction » suit le verbe « traduire » et développe vers 1783 le sens figuré d'« expression », de « transposition ».

Beaucoup de théoriciens et de praticiens de la traduction sont d'accord en ce qui concerne la difficulté de donner une définition pertinente de la traduction. Ce qui résulte le plus souvent c'est plutôt une description et cela montre la complexité de cette opération. L'importance capitale de

---

<sup>13</sup> Encyclopédi Universalis CD-Universalis 9. Jacqueline Guillemin : Traduction.